



بررسی دلالت آیه ۶۴ سوره نساء بر جواز

شدّ رحال برای زیارت قبر پیامبر ﷺ

زکریا عارفی*

چکیده

وهابیان، سفر به قصد زیارت قبور را بدعت و حرام می‌شمارند؛ درحالی‌که بسیاری از علمای اسلام، اعم از شیعه و اهل تسنن، با استناد به دلایل مختلف، سفر به قصد زیارت قبور پیامبران علیهم‌السلام و اولیای الهی را مشروع می‌دانند. یکی از ادله قرآنی برای اثبات جواز سفر به قصد زیارت، آیه ۶۴ سوره نساء است. این آیه، عاری از هرگونه قیدی است که آن را به زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محدود کند یا نوع خاصی از آمدن نزد آن حضرت را جایز بداند. بنابراین، با تمسک به اطلاق آیه مذکور می‌توان سفر به قصد زیارت آن حضرت را جایز و حتی مطلوب دانست. داستان معروف به مرد اعرابی، واقع شدن فعل در سیاق شرط و فهم مشترک علمای اسلام از آیه فوق، بر این اطلاق صحه می‌گذارند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و با استناد به منابع معتبر اسلامی، به تبیین دلالت آیه فوق بر جواز شدّ رحال برای زیارت قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پردازد و به شبهات و هابیت در این باره پاسخ می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: زیارت قبور، زیارت قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، شدّ رحال، بدعت، آیه ۶۴ سوره نساء.

* دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و معارف اسلامی با گرایش کلام در جامعة المصطفی العالمیة، و پژوهشگر نقد و هابیت.

مقدمه

زیارت از اعمال معرفت افزا و پرفضیلتی است که در دین مبین اسلام مورد تأکید قرار گرفته و در فرهنگ اسلامی و سیره مسلمانان از جایگاه ولایی برخوردار است. اما وهابیان، هرچند معتقد به جواز اصل زیارت قبر مطهر پیامبر ﷺ هستند، سفر به قصد زیارت آن حضرت و دیگر اولیای الهی را بدعت آمیز و حرام می‌پندارند. در مقابل این دیدگاه، عالمان اهل سنت با تکیه بر مستندات قرآنی و روایی مختلف، زیارت و سفر به قصد زیارت (شدّ رحال) را امری مشروع می‌دانند^۱ و بیشتر عبارت‌های فقهاء مذاهب، اقتضای استحباب سفر برای زیارت دارد؛ چراکه آنان مستحب دانسته‌اند، که حاجی بعد از تمام شدن حجش به زیارت برود و از لوازم زیارت، سفر کردن است.^۲ در این میان آیه ۶۴ سوره نساء، به‌عنوان یکی از ادله اثبات مشروعیت سفر برای زیارت و در رد دیدگاه وهابیان شایسته توجه است. با دقت در مفاهیم این آیه، می‌توان زوایای جدیدی از مشروعیت سفر زیارتی را روشن ساخت. این مقاله درصدد است با استناد به آیه مذکور، مشروعیت شدّ رحال برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ را به‌شکلی مستدل تبیین نموده و به شبهات وهابیان در خصوص دلالت این آیه پاسخ دهد. ناگفته نماند که برخی از اندیشمندان در آثار خود برای اثبات مشروعیت شدّ رحال به آیه فوق اشاره کرده‌اند، اما با جست‌وجوی انجام‌شده تاکنون پژوهشی مستقل پیرامون این موضوع انجام نشده است.

ممنوعیت سفر زیارتی در کلام وهابیان

به‌نظر وهابیان زیارت قبور انبیا و صالحان علیهم‌السلام، به‌ویژه قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ امری مشروع است؛^۳ البته به شرط آنکه بدون شدّ رحال باشد؛ چراکه شدّ رحال برای زیارت قبور انبیا و صالحان علیهم‌السلام بدعت است.^۴ لجنة الفتای عربستان سعودی در پاسخ به این سؤال که حکم سفر برای زیارت چیست؟ می‌گوید: «سفر برای زیارت قبور، خواه قبر انبیا یا

۱. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲۴، ص ۸۹.

۲. ابن ضیاء، محمد، تاریخ مكة المشرفة، ص ۳۳۴.

۳. دویش، احمد، فتاوی اللجنة الدائمة، ج ۱، ص ۴۳۱.

۴. همان، ص ۴۳۰.

انسان‌های صالح باشد و خواه غیر آن، جایز نبوده و بدعت است.»^۱

بن باز، عالم مطرح وهابیت، در این باره می‌گوید: «برای مردان، زیارت قبور و همچنین زیارت قبر پیامبر ﷺ و قبر دو صحابی ایشان (ابوبکر و عمر) مستحب است، اما بدون شدّ رحال. این حکم بر اساس حدیثی از پیامبر ﷺ است که فرمود: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تَذَكِّرُكُمُ الْآخِرَةَ»؛^۲ «قبرها را زیارت کنید، زیرا آن‌ها شما را به یاد آخرت می‌اندازند». اما شدّ رحال به قصد زیارت قبور جایز نیست و تنها برای تشرف به سه مسجد (مسجد الحرام، مسجد النبوی و مسجد الاقصی) مشروع است»^۳

بن عثیمین نیز یکی دیگر از عالمان وهابی مذهب است که به عدم جواز سفر برای زیارت تصریح می‌کند.^۴

این دیدگاه در حالی از سوی تکفیریان مطرح می‌شود که ادله متعددی، جواز شدّ رحال را اثبات می‌کنند؛ چنان‌که آیه ۶۴ سوره نساء از جمله این ادله به حساب می‌آید که در ادامه، پیرامون آن سخن خواهد رفت.

تبیین دلالت آیه ۶۴ سوره نساء بر جواز شدّ رحال برای زیارت

علمای اسلام در واکنش به ادعای وهابیان مبنی بر ممنوعیت سفر برای زیارت (شدّ رحال)، ادله متعددی از قرآن و سنت و عملکرد سلف صالح ارائه کرده‌اند، که از جمله آن‌ها می‌توان به آیه ۶۴ سوره نساء اشاره کرد. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ

فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾

و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق خدا از او اطاعت شود. و اگر آنان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند، و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

۱. همان، ص ۳۳۱.

۲. ابن‌ماجه، محمد، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. بن باز، عبدالعزیز، فتاوی نور علی الدرب، ج ۱، ص ۲۴۳.

۴. بن عثیمین، محمد، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۲، ص ۲۳۷.

استدلال به آیه فوق بر اطلاقی مبتنی است که از فراز «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ» فهمیده می‌شود؛ یعنی هیچ قیدی در این بخش از آیه وجود ندارد که آن را به زمان حیات پیامبر ﷺ محدود کند یا آمدن نزد حضرت به شکل سفر را ممنوع سازد. از این رو، سفر به قصد زیارت ایشان بعد از رحلتشان نیز، همانند دوران حیات، در اجابت و پذیرش الهی مؤثر است.

توضیح اینکه؛ آیه شریفه فوق، سه رکن برای تحقق مغفرت پروردگار را بیان کرده است:

۱. آمدن نزد رسول الله ﷺ ۲. طلب آمرزش از خداوند ۳. آمرزش طلبی حضرت برای گناهکار

رکن سوم از این ارکان برای همه مؤمنان حاصل است؛ زیرا به شهادت قرآن کریم، رسول خدا ﷺ برای مردان و زنان مؤمن طلب آمرزش کرده است؛ به دلیل قول خداوند متعال «وَأَسْتَغْفِرُ لَذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»^۱ پس یکی از سه رکن رسیدن به مغفرت خداوند ثابت است و آن طلب آمرزش رسول خدا ﷺ برای مردان و زنان مؤمن است. با توجه به این امر ثابت، اگر دو رکن اول، یعنی آمدن مؤمن نزد رسول خدا ﷺ و طلب آمرزش از خداوند نیز محقق شود، هر سه امری که موجب توبه و رحمت خداوند است، کامل می‌گردد. این ارکان سه‌گانه، هم برای کسی که در زمان حیات پیامبر ﷺ نزد ایشان می‌آمده و طلب آمرزش می‌کرده صادق است و هم برای کسی که پس از رحلت ایشان این عمل را انجام می‌دهد. پس ادعای وهابیت مبنی بر اختصاص داشتن این آیه به زمان حیات صحیح نیست.^۲

بنابراین آیه فوق از دو جهت دارای اطلاق است:

۱. نسبت به نحوه آمدن نزد رسول خدا ﷺ

۲. نسبت به حیات و ممات رسول خدا ﷺ

۱. سوره محمد، آیه ۱۹.

۲. سبکی، علی، شفاء السقام، ص ۱۸۱-۱۸۲.

یعنی آیه به طور کلی بیان می کند که آمدن نزد پیامبر ﷺ و طلب مغفرت از خداوند، عملی پسندیده و موجب آمرزش الهی است. این اطلاق شامل هرگونه آمدنی می شود، اعم از اینکه به عنوان سفر باشد یا هر عنوان دیگری. به دیگر بیان، سفر به منظور زیارت آن حضرت، مصداقی از آمدن نزد ایشان است و وقتی فردی با نیت زیارت و طلب شفاعت به سوی قبر پیامبر ﷺ سفر می کند، نزد ایشان آمده تا از خداوند طلب بخشش کند و نیز تفاوتی میان زمانی که آن حضرت در میان مردم بود و زمانی که از دنیا رفته، وجود ندارد. برای اثبات این اطلاق می توان دلایل و شواهد مختلفی ارائه داد:

۱. قرار گرفتن فعل در سیاق شرط

در جمله «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ»، فعل در سیاق شرط واقع شده است و به اعتراف علمای علم اصول، یکی از صیغه های عموم، عبارت است از صیغه فعلی که در سیاق شرط واقع شود؛^۱ به دیگر بیان، فعل در معنای نکره است و معنای مصدر، نکره را در ضمن خود دارد و نکره هرگاه در سیاق نفی یا شرط قرار گیرد، افاده عموم می کند.^۲ توضیح اینکه در فراز مذکور، افعال «ظَلَمُوا و جَاءُوكَ» در سیاق شرط قرار گرفته اند که این ساختار، طبق قواعد اصول فقه، بر عمومیت و اطلاق دلالت دارد. وقتی فعلی را ساختار شرطی به صورت مطلق و بدون هیچ قید اضافی به کار رود، تمام مصادیق ممکن را در بر می گیرد. در این آیه، فعل «جَاءُوكَ» (نزد تو آمدند) به گونه ای بیان شده که هیچ قیدی (نه در مورد زمان، نه مکان و نه کیفیت آمدن) در آن ذکر نشده است. این نشان می دهد که این آیه به طور مطلق، هر نوع آمدنی را، اعم از حضور در زمان حیات پیامبر ﷺ یا پس از رحلت و نیز به شکل سفر زیارتی را در بر می گیرد.

این عمومیت زمانی تقویت می شود که به وعده الهی در پایان آیه توجه کنیم: «وَلَوْ جَدُّوا اللَّهَ تَوَابًا رَحِيمًا»؛ این جمله که در قالب جواب شرط بیان شده، به روشنی نشان می دهد که هر کس شرایط مذکور (آمدن نزد پیامبر ﷺ، استغفار و آمرزش طلبی آن

۱. جوینی، ابومعالی، البرهان فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۱۹؛ إسنوی، عبدالرحیم، التمهید، ج ۱، ص ۳۲۴.

۲. ممدوح، محمود سعید، رفع المنارة، ص ۵۷.

حضرت برای گناه کار) را محقق کند، مشمول رحمت و توبه پذیری خداوند خواهد شد، بدون آنکه تفاوتی بین حیات و ممات پیامبر ﷺ یا نوع آمدن (از جمله سفر زیارتی) وجود داشته باشد.

سبکی (م ۷۵۶ق) در این باره می گوید: آیه در سیاق شرط است و افاده عموم می کند؛ پس در هر کسی که وصف و شرایط ذکر شده در آیه حاصل شود، مشمول مغفرت الهی می گردد.^۱ بنابراین آیه شریفه عام است و شامل حالت زنده بودن پیامبر ﷺ و حالت رحلت ایشان می شود و تفاوتی ندارد که شخص با شد رحال یا غیر آن به محضر رسول خدا ﷺ مشرف شود.

۲. زیارت پیامبر ﷺ توسط فردی بیابان نشین

داستانی از زیارت یک اعرابی ناشناس از قبر رسول خدا ﷺ در کتب مختلف روایی و تفسیری از راویان مختلف یعنی حضرت علی ع و محمد بن حرب هلالی نقل شده که بر اساس آن می توان اطلاق استفاده شده از آیه مورد بحث را تقویت کرد. ابو الحسن ماوردی (م ۴۵۰ق) پس از آنکه حکم به استحباب زیارت رسول الله ﷺ می کند، به مناسبتی جریان عتبی^۲ را نقل می کند که گفت:

«نزد قبر پیامبر خدا ﷺ نشسته بودم که مردی اعرابی آمد و پیش رفت و سلام و درود فرستاد، سپس خطاب به رسول الله ﷺ گفت: در قرآن چنین یافته ام: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ...﴾، اکنون به حضور شما رسیدم و از گناهانم توبه کردم و تو را شفیع نزد پروردگارم قرار دادم. سپس اشکی ریخت و چنین گفت: «ای بهترین کسی که استخوان هایش در زمین هموار دفن گشته و از بوی خوش آن، دشت و دمن خوشبو شده است. جانم فدای قبری که تو در آن آرمیده ای، که عفاف، جود و کرم در آن است.» سپس سوار بر مرکب خود شد و بازگشت. عتبی می گوید: خوابی سبک مرا فرا گرفت و پیامبر خدا ﷺ را دیدم که

۱. سبکی، علی، شفاء السقام، ص ۲۰۹.

۲. «محمد بن عبیدالله بن عمرو بصری از نوادگان ابوسفیان، اموی مسلک و شخصیتی کثیرالروایه، شاعر و دارای تالیفات متعدد بوده است.» (زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ج ۶، ص ۲۵۸).

فرمود: ای عتبی، آن اعرابی را دریاب و به او بگو که خداوند او را آمرزید.^۱

این روایت از روایات مشهور در بین اهل تسنن است که عالمانی همچون ابن قدامه (م ۶۲۰ق) در المغنی،^۲ ابوالفرج ابن قدامه (م ۸۲ق) در الشرح الکبیر،^۳ بهوتی (م ۱۰۵۱ق) در کشف القناع^۴ (از مشهورترین کتب حنابلہ) و بسیاری دیگر آن را نقل کرده‌اند. این داستان به گونه‌ای دیگر و با توضیحی بیشتر از محمد بن حرب هلالی نقل شده که گفته است:

«مردی اعرابی حج گزارد، چون (به مدینه آمد) به در مسجد رسید، افسار مرکب خود را بست و به مسجد رفت، روبه‌روی قبر پیامبر ﷺ ایستاد و گفت: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدای تو باد، با بار سنگین گناه آمده‌ام که تو را شفیع نزد پروردگارم قرار دهم، چون در قرآن آمده است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ﴾، بر خوشتن ستم کردم، اکنون آمده‌ام. پدر و مادرم فدای تو گردند. با بار سنگین گناه آمده‌ام. نزد پروردگارت شفاعتم کن که گناهانم را ببخشد. و بعد از آن، درحالی که در بین جمعیت می‌رفت، گفت: «یا خیر من دفنت فی القاع أعظمه...»^۵.

قرطبی (م ۶۷۱ق) نیز در تفسیر آیه فوق از حضرت علی رضی الله عنه نقل کرده که پس از گذشت سه روز از رحلت رسول خدا ﷺ عرب ناشناسی بر ما وارد شد. او خود را بر قبر

۱. «حکى العتبي قال: كنت عند قبر رسول الله ﷺ فأناه أعرابي فأقبل وسلم واحسن فقال: يا رسول الله انى وجدت الله تعالى يقول: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾، وقد جئتكَ تائباً من ذنبي مستشفعاً بك إلى ربّي. ثم بكى وأنشأ يقول: يا خير من دفنت بالقاع أعظمه / قطاب من طيبهن القاع والأكرم / نفي الفداء لقبر أنت ساكنه / فيه العفاف وفيه الجود والكرم. ثم ركب راحلته وانصرف. قال العتبي فأغفيت إغفاء فرأيت رسول الله ﷺ فقال لي يا عتبي الحق الأعرابي وأخبره أن الله سبحانه قد غفر له.» (ماوردی، علی، الاحکام السلطانیة، ص ۱۴۱).

۲. ابن قدامه دمشقی، عبدالله، المغنی، ج ۳، ص ۴۷۸.

۳. ابن قدامه مقدسی، ابوالفرج، الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۴۹۴.

۴. بهوتی، منصور، کشف القناع، ج ۲، ص ۵۱۵.

۵. «عن أبي حزم الهمداني قال: حج أعرابي إلى باب مسجد رسول الله ﷺ أَنَاخَ رَاحِلَتِهِ فَعَقَلَهَا ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ حَتَّى أَتَى الْقَبْرَ وَوَقَفَ بِحِذَاءِ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا بَیُّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ جِئْتُكَ مُتَقَلِّبًا بِالذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا مُسْتَشْفِعًا بِكَ عَلَى رَبِّكَ لِأَنَّهُ قَالَ فِي مُحْكَمِ تَنْزِيلِهِ ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾، وَقَدْ جِئْتُكَ يَا بَیُّ أَنْتَ وَأُمِّي مُتَقَلِّبًا بِالذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا اسْتَشْفَعُ بِكَ عَلَى رَبِّكَ أَنْ يَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تَشْفَعَ فِيَّ ثُمَّ أَقْبَلَ فِيهِ عَرْضَ النَّاسِ وَهُوَ يَقُولُ: يَا خَيْرَ مَنْ دَفَنْتَ فِي التُّرْبِ أَعْظَمُهُ قُطَابٌ مِنْ طَيِّبِهِنَ الْقَاعِ وَالْأَكْرَمُ نَفْسِي الْفِدَاءُ لِقَبْرِ أَنْتَ سَاكِنُهُ فِيهِ الْعَفَافُ وَفِيهِ الْجُودُ وَالْكَرَمُ.» (سيوطی، جلال الدين، الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۷۰).

انداخت و در سوگ آن حضرت خاک بر سر می کرد و خطاب به آن حضرت می گفت: «ای رسول خدا، آنچه تو گفتی، همه را از خدای خود آموختی و ما نیز از تو؛ یکی از چیزهایی که به تو آموختند این بود: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ...»، من اینک به نزد تو آمده و بر افعال زشت خود اعتراف می کنم، از تو می خواهم برایم دعا کنی. ناگاه از قبر صدایی برخاست که می گفت: تو آمرزیده شدی.^۱

واضح است که آمدن اعرابی به مدینه منوره، سفر به منظور طلب شفاعت از پیامبر ﷺ بوده، نه برای صرف نماز خواندن در مسجد نبوی؛ که این دلیلی بر مشروعیت شد رحال به مقامات مقدس است.^۲ اینکه هیچیک از صحابه به رفتار این اعرابی و برداشت او از آیه فوق اعتراض نکردند، نشان می دهد که سفر به قصد زیارت پیامبر اکرم ﷺ مشروع و بلکه مطلوب بوده و شخص اعرابی مراد آیه را درست فهمیده است. با توجه به اینکه راویان سه جریان فوق، معاصر یکدیگر نبوده اند، این جریان نمی تواند مربوط به واقعه واحدی باشد؛ زیرا شهادت حضرت علی (ع) در سال (۴۰ق) واقع شده و محمد بن حرب هلالی از شاگردان امام صادق (ع) بوده و وفات آن حضرت در سال (۱۴۸ق) بوده است.

بنابراین، ناگزیر باید پذیرفت که این سه ماجرا، حوادث متعددی را بازگو می کنند.^۳ چنان که برخی از اهل تحقیق هنگام نقل داستان منقول از حضرت علی (ع) گفته اند: این داستان، غیر از ماجرای «عتبی» است.^۴

با همه این تفصیلات باید گفت: در دوران صدر اسلام، سفر به نیت زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ، توسل و توجه به آن حضرت برای نیل به مغفرت الهی، مورد توجه و

۱. «روى أَبُو صَادِقٍ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَدِمَ عَلَيْنَا أَعْرَابِيٌّ بَعْدَ مَا دَفَنَّا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، فَرَمَى بِنَفْسِهِ عَلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَحَتَّى رَأَاهُ مِنْ تَرَابِهِ، فَقَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَمِعْنَا قَوْلَكَ، وَوَعَيْتُ عَنْ اللَّهِ فَوَعَيْنَا عَنْكَ، وَكَانَ فِيمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ»، الْآيَةَ، وَقَدْ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَجِئْتُكَ تَسْتَغْفِرُ لِي. فَنُودِيَ مِنَ الْقَبْرِ إِنَّهُ قَدْ غُفِرَ لَكَ.» (قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۲۶۵).

۲. ابن غباشی، محمد الحسینی، الأنهم النورانية، ص ۷۹.

۳. گودرزی، علی، «حکایت دو بیت بر دیواره بیت الحرام»، فصلنامه میقات حج، ش ۵۲، ص ۱۰۹.

۴. حصنی دمشقی، ابوبکر، دفع الشبه عن الرسول ﷺ، ص ۱۴۲.

اهتمام مسلمانان بوده است.

۳. برداشت اطلاق از آیه توسط علمای اسلام

افزون بر مطلب فوق، عالمان مسلمان نیز از آیه ۶۴ سوره نساء، عموم را فهمیده و بین حضور نزد پیامبر ﷺ با سفر و غیر سفر و همچنین زمان حیات و ممات رسول خدا ﷺ فرقی قائل نشده‌اند. ابن حجر هیتمی می‌نویسد:

«إِنَّ الْآيَةَ الْكَرِيمَةَ طَالِبَةٌ لِلْمَجْيَاءِ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِ مَنْ قَرَّبَ، بِسَفَرٍ وَغَيْرِ سَفَرٍ»^۱
«این آیه کریمه، خواهان آمدن به سوی پیامبر ﷺ است، چه از راه دور و چه از نزدیک، چه با سفر باشد و چه بدون سفر»

زینی دحلان (م ۱۳۰۴ق)، مفتی شافعی مذهب مکه، درباره آیه مورد بحث می‌گوید:
«این آیه دلالت می‌کند بر اینکه فرقی بین کسی که با سفر به زیارت بیاید و کسی که بدون سفر به زیارت بیاید، نیست.»^۲

سبکی (م ۷۵۶ق)،^۳ صالحی شامی (م ۹۴۲ق)^۴ و محمود سعید ممدوح (م ۱۴۱۳ق)^۵ نیز به این نکته تصریح کرده‌اند. به گفته سمهودی (م ۹۱۱ق) بسیاری از عالمان اسلام، عمومیت را از آیه فهمیده‌اند و استغفار و خواندن آیه فوق را هنگام زیارت قبر آن حضرت، مستحب دانسته‌اند.^۶

همچنین مفسران بزرگی همچون قرطبی (م ۶۷۱ق)،^۷ ابن کثیر (م ۷۷۴ق)،^۸ ثعالبی (م ۸۷۵ق)^۹ و سیوطی (م ۹۱۱ق)^{۱۰} در تفاسیر خود، حکایت «اعرابی» را در ذیل آیه مورد

۱. هیتمی، ابن حجر، الجوهر المنظم فی زیارة القبر الشریف النبوی المکرم، ص ۱۸.

۲. زینی دحلان، احمد، الدرر السنیة، ص ۳.

۳. سبکی، علی، شفاء السقام، ص ۱۸۳.

۴. صالحی شامی، محمد، سبل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

۵. ممدوح، محمود سعید، رفع المنارة، ص ۵۷.

۶. «والعلماء فهموا من الآية العموم لحالات الموت والحياة، واستحبوا لمن أتى القبر أن يتلوها ويستغفر الله تعالى»؛ (سمهودی، علی، وفاء الوفاء بأخبار المصطفى، ج ۴، ص ۱۸۴).

۷. قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۲۶۵.

۸. ابن کثیر دمشقی، إسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۰۶.

۹. ثعالبی، عبدالرحمن، تفسیر الثعالبی، در: مجموعه مصادر التفسیر عند السنة، ج ۲، ص ۲۵۷.

۱۰. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۷۰.

بحث نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد آنان نیز از این آیه برداشت اطلاق کرده و آن را مخصوص به زمان حیات رسول الله ﷺ ندانسته‌اند.

مضاف بر اینکه بسیاری از عالمانی که در آداب زیارت قبر پیامبر ﷺ قلم زده‌اند، مخاطب قرار دادن آن حضرت با سخنان مرد اعرابی را از جمله آداب زیارت ذکر کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، نووی (م ۶۷۶ق) می‌نویسد:

«سپس (زائر) به جایگاه اول خود، روبه‌روی وجه پیامبر ﷺ برمی‌گردد و به او متوسل می‌شود و از او به‌سوی پروردگارش شفاعت جوید و از بهترین چیزهایی که [در این حالت] می‌توان گفت، سخنی است که ماوردی و قاضی ابوطیب و سایر اصحاب ما از عتبی نقل کرده‌اند...» وی در ادامه حکایت اعرابی را نقل کرده است.^۱

بن‌قدمه مقدسی (م ۶۲۰ق) در المغنی و نیز ابوالفرج بن‌قدمه (م ۸۲۲ق) در الشرح الکبیر، بخش آداب زیارت، روایت فوق را آورده‌اند.^۲ سبکی (م ۷۵۶ق) در این باره می‌نویسد:

«علما از این آیه، عمومیت را در هر دو حالت (حیات و ممات) فهمیده‌اند و برای کسی که به زیارت قبر پیامبر ﷺ می‌رود، مستحب دانسته‌اند که این آیه را بخواند و از خداوند متعال طلب آمرزش کند. حکایت عتبی در این زمینه مشهور است و مصنفان در مناسک از همه مذاهب، و مورخان آن را نقل کرده‌اند و همگی آن را نیکو شمرده و از آداب زائر و آنچه شایسته است انجام دهد، دانسته‌اند.»^۳

بنابراین، علمای اسلام آیه شریفه مورد بحث را تنها ناظر به زمان حیات رسول خدا ﷺ ندانسته‌اند و اگر کسی بعد از حیات حضرت با سفر به زیارت ایشان برود و طلب مغفرت کند، با استغفار پیامبر اکرم ﷺ مشمول عنایات خاص الهی می‌گردد.

۱. نووی، یحیی، المجموع شرح المذهب، ج ۸، ص ۲۷۴.

۲. ابن‌قدمه دمشقی، عبدالله، المغنی، ج ۳، ص ۴۷۸؛ ابن‌قدمه مقدسی، ابوالفرج، الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۴۹۴.

۳. سبکی، علی، شفاء السقام، ص ۱۸۳.

شبهات وهابیت پیرامون آیه

وهابیان در رد استناد به آیه مورد بحث برای جایز دانستن شدّ رحال برای زیارت، به برخی شبهات دامن زده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «إِذْ» ظرف زمان برای گذشته است نه آینده

«محمد بن صالح العثیمین» در اشکال به استفاده عموم از آیه مورد بحث می‌گوید:
«(إِذْ) در اینجا ظرف است برای گذشته نه برای آینده؛ چرا که خداوند نفرموده:
«وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذَا ظَلَمُوا؛ اگر آنان زمانی که ظلم می‌کنند، بلکه فرموده: «إِذْ ظَلَمُوا؛
زمانی که ظلم کردند...»^۱

به عقیده او، اگر خداوند قصد اشاره به آینده را داشت، باید از «إِذَا» استفاده می‌کرد، نه «إِذْ». بر اساس این ادعا، آیه از استغفار پیامبر ﷺ برای خطاکاران در زمان حیات آن حضرت صحبت می‌کند و دلالتی بر جواز شدّ رحال برای زیارت قبر پیامبر ﷺ ندارد.

نقد و بررسی

با بررسی دقیق کاربردهای قرآنی و قواعد زبان عربی می‌توان دریافت که دیدگاه وی با چالش‌های جدی مواجه است. با رجوع به قرآن کریم می‌توان دریافت که این واژه در موارد متعددی برای آینده به کار رفته است. به عنوان نمونه، آیات زیر:

«وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا...»^۲ «اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود...»

«وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ...»^۳ «اگر (حال آن‌ها را) هنگامی که در برابر آتش

ایستاده‌اند، ببینی...»

«وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ...»^۴ «اگر آنان را به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان

ایستاده‌اند، ببینی...»

این آیات به وضوح نشان می‌دهند که نمی‌توان دلالت «إِذْ» را منحصر به وقایع گذشته

۱. بن عثیمین، محمد، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲. سوره سبا، آیه ۵۱.

۳. سوره انعام، آیه ۲۷.

۴. سوره انعام، آیه ۳۰.

دانست. عالمان نحوی و لغوی نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که کلمه «إِذْ» همان گونه که در گذشته استعمال می‌شود، برای آینده نیز به کار می‌رود.^۱ حتی برخی معتقدند کلمه «إِذْ» برای مستقبل و «إِذَا» برای آینده است.^۲

مضاف بر اینکه این اشکال وهابیان در حقیقت یک مغالطه است. آنان تلاش می‌کنند این‌طور القا کنند که واژه «إِذْ» برای گذشته است، در نتیجه آیه فقط شامل گناهکارانی می‌شود که در زمان حیات پیامبر ﷺ مرتکب گناه شده و نزد آن حضرت رفته‌اند و با دعای ایشان آمرزیده شده‌اند؛ درحالی که طبق فهم وهابیت، آیه شامل کسانی که پس از نزول آن آیه در زمان حیات پیامبر ﷺ مرتکب گناه می‌شدند و برای توبه نزد ایشان می‌رفتند، نمی‌شود!

اگر وهابیت ادعا کند که آیه شامل گناهکاران زمان حیات پیامبر ﷺ و پس از نزول آیه هم می‌شود، ناگزیر باید بپذیرد که کلمه «إِذْ» در آیه، شامل زمان آینده نیز هست. در واقع، «إِذْ» ظرف زمانی برای انجام گناه است، نه ظرف زمان برای رفتن نزد پیامبر ﷺ. در نتیجه براساس آیه مورد بحث، توسل به دعای رسول الله ﷺ ثابت می‌شود و انکار آن در حقیقت انکار قرآن است.

۲. اختصاص داشتن آیه به زمان حیات

ابن فوزان وهابی می‌گوید: «نمی‌توان با این آیه بر مشروعیت زیارت قبر استدلال کرد؛ زیرا مقصود از آن، آمدن نزد پیامبر ﷺ در زمان حیات ایشان است؛ چراکه خداوند متعال فرموده است: «جاؤوک؛ نزد تو آمدند» و نگفته است: «جاؤوا الی قبرک؛ به سوی قبر تو آمدند». و روشن است که اگر کسی به دیگری بگوید: نزد من بیا تا چیزی به تو بدهم یا کاری برای انجام دهم، مخاطب چنین نخواهد فهمید که مقصود، آمدن به سوی قبر گوینده پس از مرگ اوست، بلکه قطعاً خواهد فهمید که منظور، آمدن نزد او در زمان حیاتش است.»^۳

۱. ابن هشام، محمد، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۸۱.

۲. ازهری، محمد، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۷.

۳. ابن فوزان، صالح، کتب الردود، ج ۵، ص ۲۵۱.

نقد و بررسی

استدلال ابن فوزان از چند جهت قابل نقد است:

نخست اینکه، طبق روایات نبوی، زیارت آن حضرت بعد از وفات، مانند زیارت ایشان در زمان حیات است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ حَجَّ قَبْرَ قَبْرِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي»^۱

هر کس حج گزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم مرا زیارت کرده است.

صالحی شامی (م ۹۴۲ق)، عالم شافعی، پس از نقل حدیث و پاسخ به ایرادات سندی می‌نویسد: «این حدیث حداقل در رتبه حسن قرار دارد و شواهدی نیز برای این مدعا وجود دارد. علاوه بر این، تعدد روایات این حدیث، آن را تا حد صحیح ارتقاء می‌دهد.»^۲ این روایت و امثال آن، صریحاً نشان می‌دهند که از نظر آثار و برکات معنوی، تفاوتی بین زیارت ایشان در زمان حیات و پس از وفات وجود ندارد و همان آثاری که در زیارت زمان حیات رسول خدا ﷺ وجود دارد در زیارت بعد از وفات نیز وجود دارد. بنابراین، هدف اصلی از آمدن به سوی پیامبر ﷺ برای طلب مغفرت و شفاعت، پس از وفات ایشان نیز از طریق زیارت قبر مطهرشان قابل تحقق است.

دیگر اینکه: قیاس دعوت یک فرد زنده به نزد خود، با زیارت قبر پیامبر ﷺ و طلب شفاعت، قیاس مع الفارق است. جایگاه پیامبر ﷺ نزد خداوند متعال و تأثیر دعا و شفاعت ایشان، امری فراتر از روابط معمولی بین افراد است. خداوند متعال در قرآن کریم بر جایگاه رفیع پیامبر ﷺ و تأثیر دعای ایشان تأکید کرده است و این جایگاه با وفات ایشان از بین نمی‌رود. از روایات نیز استفاده می‌شود که حیات و ممات رسول خدا ﷺ هر دو منشأ خیر برای امت است.^۳ به دیگر بیان، اگرچه در عرف معمول، دعوت به نزد خود

۱. طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۴۰۶، ح ۱۳۴۹۷. دارقطنی، علی، سنن، ج ۳، ص ۳۳۳.

۲. صالحی شامی، محمد، سبل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۳۷۸.

۳. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «حَيَاتِي خَيْرٌ لَكُمْ تُحَدِّثُونَ وَتُحَدِّثُ لَكُمْ، وَوَفَاتِي خَيْرٌ لَكُمْ تُعْرِضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ، فَمَا زَأَيْتُ مِنْ خَيْرٍ حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ، وَمَا زَأَيْتُ مِنْ شَرٍّ اسْتَفْقَرْتُ اللَّهَ لَكُمْ.» (بزار، احمد، مسند البزار، ج ۵، ص ۳۰۸).

پس از مرگ معنا ندارد، اما در مورد انبیاء علیهم السلام و اولیای الهی که دارای جایگاه ویژه نزد خداوند هستند، این عرف قابل تعمیم نیست.

در نهایت باید گفت: تاریخ اسلام گواه آن است که صحابه‌ای چون بلال حبشی پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله به زیارت قبر ایشان رفته^۱ و مسلمانان (اعم از سلف و خلف امت) در ادوار مختلف تاریخ، نسبت به این مسئله اهتمام داشته‌اند.^۲ که اینها نشان دهنده صحیح نبودن سخنان ابن فوزان است.

۳. بی‌فایده بودن شدّ رحال برای زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله

ابن عثیمین می‌گوید: «استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله پس از وفاتش امری ناممکن است، زیرا همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هنگامی که بنده‌ای می‌میرد، عملش قطع می‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاریه، یا علمی که از آن بهره‌مند شوند، یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.» بنابراین، هیچ انسانی پس از مرگش نمی‌تواند برای دیگری طلب آمرزش کند؛ حتی برای خودش نیز نمی‌تواند استغفار نماید، زیرا عمل (و کسب ثواب) او پایان یافته است.»^۳

ابن فوزان نیز می‌گوید: «استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله تنها در دوران حیات ایشان ممکن است، نه پس از وفاتشان؛ چراکه شخص متوفی نمی‌تواند برای کسی طلب آمرزش کند، زیرا این کار یک عمل محسوب می‌شود و اعمال انسان پس از مرگش قطع می‌گردد.»^۴

پس آنان مدعی‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت توانایی بر هیچ عملی ندارد و نمی‌تواند برای کسی استغفار کند؛ در نتیجه بهره‌مندی از مغفرت الهی بعد از وفات حضرت منتفی است و شدّ رحال برای زیارت ایشان بی‌فایده است.

نقد و بررسی

پاسخ این شبهه از چند جهت قابل طرح است:

۱. ابن عساکر، علی، تاریخ مدینة دمشق، ج ۷، ص ۱۳۷.
۲. هیتمی، ابن حجر، الجوهر المنظم، ص ۳۸.
۳. بن عثیمین، محمد، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۲، ص ۳۴۵.
۴. ابن فوزان، صالح، کتب الردود، ج ۵، ص ۲۵۱.

نخست آنکه مراد از انقطاع عمل در روایت مذکور، به دست نیاوردن ثواب جدید است، نه نفی مطلق هرگونه تأثیرگذاری. به عبارت دیگر، آنچه قطع می‌شود اجر و ثواب اعمال است، نه اصل عمل؛ چراکه طبق روایات متعدد، اولیای الهی پس از مرگ به اذن خدا قادر بر انجام برخی امورند؛ مانند روایات نماز خواندن انبیا در قبور،^۱ پاسخ دادن پیامبر ﷺ به سلام مؤمنان پس از وفات،^۲ عرضه اعمال امت بر پیامبر ﷺ و استغفار ایشان برای گناه کاران.^۳

پس این روایت بیان می‌کند که انسان پس از مرگ نمی‌تواند ثواب جدیدی به دست آورد. هرچند اولیای الهی پس از وفات نیز قادر به انجام کارهایی مانند طلب مغفرت برای مؤمنان هستند، اما این اعمال برای خودشان پاداشی در پی ندارد.

دیگر اینکه، قرآن کریم بر استغفار پیامبر ﷺ برای مؤمنان در زمان حیات آن حضرت تصریح دارد و می‌فرماید: «وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»^۴ از این رو وقتی عاصم بن سلیمان تابعی از عبدالله بن سرجس صحابی پرسید: آیا رسول خدا ﷺ برای تو آمرزش طلبیده است؟ او گفت: بله، و برای تو نیز. سپس این آیه را تلاوت کرد.^۵

پس حتی اگر توانایی پیامبر ﷺ برای استغفار بعد از حیات را نپذیریم، باز هم استغفار آن حضرت برای مؤمنین ثابت است؛ چراکه آن حضرت در زمان حیات خود برای همه مؤمنین و مؤمنات طلب مغفرت کرده است. واضح است که اگر کسی در زمان حیاتش برای دیگری دعا کند، با مرگش آن دعا باطل نمی‌شود. بنابراین انسان مؤمن با رفتن به زیارت رسول خدا ﷺ هر سه رکن مغفرت الله را محقق می‌کند و از وعده ذکر شده در آیه بهره‌مند می‌شود.

همچنین سیره مسلمانان در طول تاریخ بر این بوده که همواره به زیارت قبور اولیای

۱. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۴۵، ح ۲۳۷۵، نسائی، احمد، السنن الصغری، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲. ابن حنبل، احمد، المسند، ج ۱۶، ص ۴۷۷.

۳. بزار، احمد، مسند البزار، ج ۵، ص ۳۰۸.

۴. سوره محمد، آیه ۱۹.

۵. نیشابوری، مسلم، المسند، ج ۴، ص ۱۸۲۳، ح ۲۳۴۶.

الهی می‌روند و با این اعتقاد که آنان زنده‌اند و دعایشان مستجاب می‌شود، از آنها طلب شفاعت و استغفار می‌کنند. آیا همه این مسلمانان در اشتباه بوده‌اند؟ اگر بپذیریم که پیامبر ﷺ پس از وفات هیچ ارتباطی با امت خود ندارد، چگونه می‌توان زیارت ایشان و سلام دادن به آن حضرت را توجیه کرد؟

نتیجه

آیه ۶۴ سوره نساء با بیان اهمیت آمدن نزد پیامبر اکرم ﷺ برای طلب مغفرت، به صورت مطلق و بدون تقیید به زمان حیات یا کیفیت آمدن، دلیلی محکم بر جواز سفر زیارتی است. قرار گرفتن فعل در سیاق شرطی آیه، روایت «اعرابی» که با استناد به همین آیه به زیارت قبر رسول خدا ﷺ شتافت و مورد بخشش قرار گرفت و فهم علمای اسلام از آیه مذکور، تأیید کننده اطلاق آیه هستند و نشان می‌دهند که سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ نه تنها بدعت نیست، بلکه مصداقی از «آمدن» مورد تأیید قرآن است. وهابیان با طرح شبهه‌اتی سعی در خدشه وارد ساختن به دلالت آیه بر شد رحال دارند؛ اما بررسی دقیق این ادعاها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از آنها پایه استوار علمی ندارد. بنابراین، سفر به قصد زیارت قبور اولیای الهی، به‌ویژه رسول خدا ﷺ عملی مطلوب و مشروع است که ریشه در قرآن، سنت و فهم مشترک امت اسلامی دارد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن الضیاء، محمد بن احمد مکی، تاریخ مكة المشرفة والمسجد الحرام والمدينة الشريفة والقبر الشريف، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن حنبل، احمد، المسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدينة دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن غباشی، محمد الحسینی، الأسهم النورانية فی القضاء علی فکر الوهابیة التکفیریة، بی جا: ۱۳۹۱ش.
۶. ابن قدامة دمشقی، عبدالله بن احمد، المغنی، مصر: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
۷. ابن قدامة مقدسی، ابوالفرج عبدالرحمن بن محمد، الشرح الكبير، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۸. ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۹. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بی جا: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
۱۰. ابن هشام، محمد بن عبدالله انصاری، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، قم: مكتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۱. أزهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۲۰۰۱م.
۱۲. إسنوی، عبدالرحیم بن حسن، التمهید، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۱۳. بزار، احمد، مسند البزار، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، مدینه منوره: مكتبة العلوم والحکم، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۱۴. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، فتاوی نور علی الدرب، بی جا: بی تا.
۱۵. بن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی ورسائل، ریاض: دارالوطن-دارالثریا، چاپ اخیر، ۱۴۱۳ق.
۱۶. بهوتی، منصور بن یونس، كشف القناع عن متن الإقناع، بی جا: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۱۷. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی، در: مجموعه مصادر التفسیر عند السنة، تحقیق: عبدالفتاح أبو سنة و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۸. جونی، ابومعالی عبدالملک بن عبدالله، البرهان فی أصول الفقه، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۱۹. حصنی دمشقی، ابوبکر بن محمد، دفع الشبه عن الرسول ﷺ والرسالة، قاهره: دار إحياء

- الكتاب العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۰. دارقطنی، علی بن عمر، **سنن الدارقطني**، تحقیق: شعیب الأرنؤوط و دیگران، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۲۱. دویش، احمد بن عبدالرزاق، **فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الإفتاء**، ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمية و الإفتاء، بی تا.
۲۲. زرکلی، خیرالدین بن محمود، **الأعلام**، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۰م.
۲۳. زینی دحلان، احمد، **الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة**، استانبول: مكتبة إیشیق، ۱۹۷۶م.
۲۴. سبکی، علی بن عبدالکافی، **شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام**، بی جا: مشعر، ۱۴۱۹ق.
۲۵. سمهودی، علی بن عبدالله، **وفاء الوفاء بأخبار المصطفی**، بیروت: دارالکتب العلمية، بی تا.
۲۶. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۷. صالحی شامی، محمد بن یوسف، **سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد**، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۸. طبرانی، سلیمان، **المعجم الكبير**، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، چاپ دوم، بی تا.
۲۹. فوزان، صالح، **كتاب الردود**، بی جا: بی تا.
۳۰. قرطبی، أبو عبدالله محمد، **الجامع لأحكام القرآن**، قاهره: دارالکتب المصرية، ۱۳۸۴هـ/ ۱۹۶۴م.
۳۱. گودرزی، علی، «حکایت دو بیت بر دیواره بیت الحرام»، فصلنامه **میقات حج**، ش ۵۲، تیر ۱۳۸۴هـ.
۳۲. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، **الاحکام السلطانية**، کویت: مكتبة دار ابن قتیبة، ۱۴۰۹ق.
۳۳. ممدوح، محمود سعید، **رفع المنارة لتخريج أحادیث التوسل والزیارة**، اردن: دار الإمام النووی، بی تا.
۳۴. نسائی، احمد، **السنن الصغرى**، تحقیق: عبدالفتاح ابوغدة، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۳۵. نووی، یحیی بن شرف، **المجموع شرح المذهب**، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۳۶. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۷. وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، **الموسوعة الفقهية الكويتية**، کویت: ۱۴۰۸ق.
۳۸. هیتمی، ابن حجر، **الجواهر المنظم فی زیارة القبر الشریف النبوی المکرم**، قاهره: مكتبة مدبولی، ۲۰۰۰م.